

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله آداب اسلامي ۱۱



بسم الله الرحمن الرحيم

نیکی به والدین فضل زیادی دارد و از اعمال صالحی است که اندوه را می‌زداید و تاریکی را از بین می‌برد. درجه و مقام نیکی به والدین بر درجه و مقام جهاد در راه خدا برتر است. بنابر حدیث ابن مسعود رضی الله عنه که می‌گوید: از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم که: چه عملی نزد خدا گران‌بها تر است؟ فرمود: نماز سر وقت. گفتم: دیگر چه عملی؟ فرمود: نیکی به والدین. گفتم: دیگر چه عملی؟ فرمود: جهاد در راه خدا. متفق علیه.

عبدالله بن عمرو روایت کرد و گفت: «مردی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت: می‌خواهم با تو پیمان جهاد بر علیه دشمن ببندم در حالی که پدر و مادرم را گریان جا گذاشتم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به پیش آنان برگرد و آنان را همچنان که گریاندی، بخندان». ابوداود و ابن ماجه و سند آن حسن است.

بیشتر برای آنها دعا و طلب بخشش کند. هنگام دیدار با آنها خوشرو باشد. سر آنان را ببوسد.

بدهی‌های آنان را بپردازد. چون در حدیث ابن عباس رضی الله عنه آمده است که سعد بن عبادہ رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله فتوا خواست و گفت: مادرم فوت کرده است در حالی که نذری بر عهده اش بوده است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آن را برای او ادا کن. بخاری و مسلم و دیگران به یاران و دوستان پدر و مادر احترام بگذارد.

همچنانکه ابن دینار از ابن عمر روایت کرده است که او وقتی از مکه خارج شد، مرکبی داشت که در مسافرت‌های

طولانی بر آن سوار می‌شد و عمامه ای داشت که دور سرش می‌پیچید.

برای ما بیان کرد که روزی سوار بر مرکبش، یک بادیه‌نشین بر او گذشت و گفت: آیا تو فلانی پسر فلانی نیستی؟ گفتم: آری او هستم. پس ابن عمر مرکب خود را به او داد و گفت: سوار شو و عمامه‌اش را به وی داد و گفت: آن را دور سرت کن. بعضی از یاران به او گفتند: خداوند تو را بیامرزد. به این بادیه‌نشین مرکبی بر آن سوار می‌شدی، و عمامه‌ای بر سر می‌کردی دادی؟ گفت: من از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «نیکوترین نیکیها این است که شخص با دوستان والدینش نیز مهربان باشد». مسلم (۲۵۵۲). در حالی که پدرش دوست عمر رضی الله عنه بود. و این از باب وسعت رحمت الهی است که باب نیکویی بسیار وسیع است و فقط مختص به پدر و مادر نیست. با اسم زیبا از آنها یاد کند.

والدین را بر دیگران مقدم بدارد.

تا جایی که می‌تواند آنها را با هدیه دادن یا سفرکردن یا شوخی کردن خوشحال کند. برای آسایش آنان مخصوصاً در ایام بیماری شب زنده‌داری کند.

با ادب و مهربانی آنها را خطاب قرار بدهد. چون خداوند فرموده است: ﴿فَلَا تَقُلْ هُمَا أَفٍّ وَلَا تَهَرَّهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾. (الإسراء: ۲۳). «کمترین اهانتی به آنها روا مدار! (حتی به آنان اف مگو) و بر آنها فریاد مزن و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو».

وقتی بر تو وارد شدند، برای احترام آنها برخیز. دستان آنها را ببوس. به آنها احترام بگذار و هر چه را که می خواهند به آنها بده.

صدایش را در مقابل آنها بلند نکند، و با آنها جدال و بحث و مخاصمه نکند. در کارهایت با آنها مشورت کن. به آنها دروغ مگو. وقتی کاری بر خلاف سلیقه و خوشایند تو انجام نمی دهند، آنها را سرزنش مکن. در حالی که آنها نشسته اند، دراز نکش و نخواب. در مقابل آنها پایت را دراز مکن. در راه رفتن از پهلوی پدرت راه نرو، بلکه کمی عقب تر از او حرکت کن.

در جایی بلندتر از جای پدر و مادر ننشین. وقتی تو را صدا می زنند زود جواب بده. بر پدرش اسم نگذارد. و قبل از پدر ننشیند و در مقابل وی راه نرود. از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که او دو نفر را دید و به یکی از آنها گفت که این یکی با تو چه نسبتی دارد؟ گفت: پدرم است. گفت: «بر او اسم نگذار و در مقابل وی راه نرو، و قبل از او ننشین». آیا کسی می تواند پدرش بوسیله کنیه اش نام ببرد و صدا زند؟ از ابن عمر رضی الله عنه روایت شده که او بر پدرش کنیه می گذاشت. (صحیح الادب المفرد، امام بخاری ۴۷). با کسی که با والدینش نیک رفتار است، بیشتر بنشیند.

نیکی به والدین بعد از مرگ آنها نیز باقی است. از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند که: آیا بعد از فوت پدر و مادر چیزی باقی می ماند که به آنها نیکی کنیم؟ فرمود: «آری، دعا کردن برای آنها، طلب بخشش برای آنها، و اجرای وصیت آنها بعد از مرگشان، و صله رحم با کسانی که به آنها نزدیکند، و احترام به دوستانشان». ابوداود (۵۱۴۲).

آداب تربیت فرزندان (حقوق فرزندان)

اگر ترس اذیت کردن در مسجد وجود نداشت، بچه ها را به رفتن مسجد عادت دهد. اما حدیث: «جنبوا مساجدکم صبیانکم و مجانیئکم» «از بردن بچه ها و دیوانه ها به مسجد خودداری کنید». حدیث ضعیفی می باشد. (ابن ماجه ۷۵۰) و در سند آن الحارث بن نبهان وجود دارد که علما در باره ضعیف بودن آن متفق هستند، و هبشی در مجمع الزوائد (۲۹/۲) گوید: طبرانی در معجم الکبیر این حدیث را روایت کرده است و در سند آن العلاء بن کثیر اللیثی الشامی وجود دارد که ضعیف است. بچه ها را به آموختن علم و صبرکردن بر آن تشویق کند. میمونی گفته است: از اباعبدالله پرسیدم که من اول قرآن را به فرزندم بیاموزم یا حدیث، کدام نزد تو بهتر است؟ گفتم: قرآن. گفتم، تمام قرآن را به او بیاموزم گفت: مگو آن چیزهای که برای او سخت است، سپس به من گفت: کم کم قرآن را به او بیاموز تا اینکه یاد بگیرد سپس به آن عادت می کند. الآداب الشرعیه (۳۳/۲). بچه ها را به ابوفلان یا امفلان صدا بزنند. و این باعث

پیشرفت سطح فکری وی از همان زمان بچگی می شود. پیامبر صلی الله علیه و آله گاهی بعضی از بچه ها را با کنیه صدا می زند. از انس رضی الله عنه روایت شده است که گفت: «پیامبر صلی الله علیه و آله از لحاظ اخلاق بهترین مردم بود. و من برادری داشتم که به او ابوعمیر می گفت (از شیر گرفته شده بود و دیگر شیرخواره نبود). و هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله می آمد به او می گفت: «ای اباعمیر پرنده کوچکت چکار می کند». بخاری (۵۷۳۵). با کنیه صدازدن بچه ها قبل از به دنیا آوردن فرزند نیز جایز است. در صحیح بخاری و دیگران آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله دختر بچه کوچکی را که داشتند لباس قشنگی بر تن او می کردند با کنیه او را صدا زد و گفت: «این پیراهن تنگ است یا امخالد، تنگ است یا امخالد». (الآداب الشرعیه (۱۵۲/۳) آداب شرعی (۱۵۲/۳): از عائشه رضی الله عنها روایت شده است که او به پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم گفت: یا رسول الله! هر یک از زنهای شما کنیه دارند به غیر از من (که چون فرزند ندارم کنیه هم ندارم). پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم به ایشان فرمودند: که کنیه خود را به نام فرزند خویش عبدالله یعنی ابن الزبیر بگذار تو ام عبدالله (مادر عبدالله) هستی! (السلسله الصحیحه ۱۳۲). واما حدیثی که از عائشه رضی الله عنها روایت شده، که فرزندی از پیامبر سقط شده که اسمش عبدالله بود و کنیه عائشه نیز ام عبدالله است، از نگاه متن و سند باطل است (السلسله الضعیفه ۴۱۳۷)). بچه ها را به جمعهای بزرگ و عمومی ببرد تا با بزرگان بنشینند. چون صحابه گاهی فرزندانشان را به

مجلس پیامبر ﷺ می بردند. از جمله: داستان معاویه بن قُر که از پدرش روایت کرده است که: «هرگاه پیامبر ﷺ می نشست چند نفر از اصحاب دور او می نشستند که در میان آنها مردی بود که بچه ای کوچک پشت سرش می آمد. سپس نشست و بچه کوچک را جلو خود گذاشت». نسایی والبنی در احکام الجنائز آن را صحیح دانسته است.

عمرو بن العاص بعد از انجام طواف کعبه و نشستن در میان عده ای که کنار کعبه نشسته بودند، در حالی که نوجوانها را کنار می زدند و خود می نشستند، گفت: این کار را نکنید بلکه برای آنها جا باز کنید و آنها را به خود نزدیک کنید، به آنها یاد دهید، چون اینها امروز خردسالان قوم هستند، بدون شک روزی بزرگ قوم دیگری می شوند. ما نیز روزی کوچک قوم بودیم و حال بزرگ قوم دیگری هستیم». الآداب الشرعیة، ابن مفلح (۱/۲۴۴).

در مورد قهرمانیهای گذشتگان و جنگهای اسلامی و پیروزیهای مسلمانان برای بچهها سخن بگوید. به آنها احترام بزرگترها را بیاموزد. از جمله آنچه که ابوهریره ﷺ از پیامبر ﷺ روایت می کند و می گوید: «کوچکتر به بزرگتر، عابر بر نشسته، و کمتر بر بیشتر، سلام کنند». بخاری (۵۷۳۶).

منزلت و ارزش کوچکترها را در مجلس فراموش نکنند. سهل بن سع د ﷺ می گوید: «کاسه ای آب را به پیامبر ﷺ دادند تا از آن بنوشد و در طرف راستش پسری بود که کوچکترین مجلس بود و بزرگترها و پیرمردان در طرف چپ پیامبر ﷺ بودند. پیامبر ﷺ

گفت: ای پسر جوان آیا اجازه می دهی که این کاسه آب را به بزرگترها بدهم؟ گفت: یا رسول الله ﷺ هیچ کس را بر خود مقدم نفی دارم، پس رسول الله ﷺ به او داد». بخاری

ورزشهای مردانه به او بیاموزد، مثل تیراندازی، شنا و اسب سواری. ابوامامه بن سهل می گوید: «عمر ﷺ به ابوعبیده بن جراح نوشت که فرزندان خود را شنا بیاموز». امام احمد در ابتدای مسند عمر بن خطاب ﷺ روایت کرده است.

فرزندان خود را از لوازم سستی و زن صفت مثل رقصیدن و تمایل داشتن به زنان و آرایش کردن و مثل آنها باز دارد.

مالک (رحمته الله) می گوید: «من از بچه هایی که از طلا استفاده می کنند خوشم نمی آید. چون به ما رسیده است که پیامبر ﷺ از انگشتی طلایی به انگشت کردن نهی کرده است. و من نیز آن را برای بزرگ و کوچک مکروه می دانم».

از توهین به فرزندان مخصوصاً در مقابل دیگران خودداری کند، و فکر وی را سبک نشمارد، و او را برای شرکت در بحث تشویق کند.

به فرزندان خود سلام کند. چون پیامبر ﷺ از کنار چند بچه گذشت و به آنها سلام کرد.

با آنها مشورت کند و نظرشان را بپرسد.

مسئولیتهایی را با توجه به سن و قدرت او، به او بسپارد.

اسرار و رازهای فرزندان را فاش نکند. پیامبر ﷺ

کاری را از انس ﷺ خواست و او به کسی خبر نداد. شجاعت و جوانمردی را در جای خود به او بیاموزد. به آراستگی لباسهای فرزندان خود توجه کند. و در لباسها و کوتاه کردن موهایش و حرکات و راه رفتن او را از سبکسری باز دارد.

فرزندان را از رفاه و تنبلی و خوشگذرانی و بیکاری دور کند. عمر ﷺ گفته است: «زندگی را سخت بگیرید چون نعمت های آن همیشگی نیست».

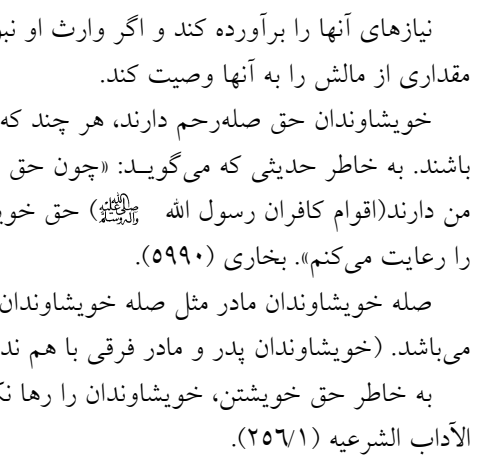
فرزندان را از مجالسی که در آنها حرف بیهوده یا کارهای زشت و مکروه انجام می شود، دور کند.

احترام به رزیدیکان و خویشان

قطع صله رحم از ج مله گناهان کبیره است. چون وعید خداوند در مورد آن ثابت شده است ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ﴾ ﴿٢٣﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ﴾. (محمد ۲۲-۲۳).

«اگر (از این دستورات قرآن و رسول الله ﷺ) روی گردان شوید، جز این انتظار می رود که در زمین فساد و قطع پیوند خویشاوندی کنید. آنها (گروه ستمگر و ظالم) کسانی هستند که خداوند از رحمت خویش دورشان ساخته، گوشهایشان را کر و چشمهایشان را کور کرده است».

به خویشاوندان نیکی کند و با آنها به نیکی رفتار کند. خویشاوندان فقیر را در ناراحتیهای جسمی و مالی کمک کند و آنها را یاری دهد.



نیازهای آنها را برآورده کند و اگر وارث او نبودند
مقداری از مالش را به آنها وصیت کند.
خویشاوندان حق صله رحم دارند، هر چند که کافر
باشند. به خاطر حدیثی که می‌گوید: «چون حق فامیلی بر
من دارند (اقوام کافران رسول الله ﷺ) حق خویشاوندی
را رعایت می‌کنم». بخاری (۵۹۹۰).
صله خویشاوندان مادر مثل صله خویشاوندان پدر
می‌باشد. (خویشاوندان پدر و مادر فرقی با هم ندارند).
به خاطر حق خویشتن، خویشاوندان را رها نکند.
الآداب الشرعیه (۲۵۶/۱).